

ژورنال

شماره ۹۴۲

۲۱ ژانویه ۲۰۲۵ - ۲ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

همه با هم علیه احکام اعدام!

نسان نودینیان

ترامپ و "عصر طلایی" آمریکا

محسن ابراهیمی

نوع حکومت پس از سرنگونی جمهوری اسلامی

سؤال از کاظم نیکخواه

سرکوب فرهنگی رژیم و بازی‌های اینترنتی

میلااد رسایی‌منش

همه با هم علیه احکام اعدام!

نسان نودینیان

کارگران مراکز تولیدی! کارگران کارگاه‌های
کردستان! کارمندان! راننده‌های تاکسی! به فراخوان
اعتصاب عمومی در کردستان، فردا چهارشنبه سوم
بهمن ۱۴۰۳ پیوندید!

اعتصاب عمومی در کردستان علیه مجازات اعدام
و علیه احکام اعدام پخش‌شان عزیزی و وریشه مرادی
در ادامه تحرک و اعتراضات کوبنده و بی‌نظیری
است که در بخش‌های مختلف جامعه توسط فعالین
جنبش علیه اعدام، زنان و ”سه‌شنبه‌های اعتراضی
علیه اعدام“ در زندان‌ها در جریان است.

پیام‌ها و بیانیه‌ها در محکومیت مجازات اعدام بی‌شمارند، توده‌گیر شده‌اند و فضای سیاسی و اعتراضی جامعه را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

تجمع اعتراضی و باشکوه زنان و فعالین اجتماعی در مقابل استانداری کردستان در شهر سنندج در ۲۶ دی‌ماه، نمادی از روحیه اعتراضی مردم معترض به مجازات اعدام بود.

بیانیه ۴۵۰۰ نفر از هنرمندان، نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران، فعالین مدنی و سیاسی، دانشجویی، وکلا در اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی مددکار اجتماعی محبوس در زندان اوین نمادی از همبستگی انسانی علیه مجازات اعدام است.

بیانیه‌های متعدد دیگری از جانب کارگران،

معلمان، خانواده‌های جان‌باختگان دادخواهان، آسیب‌دیدگان جسمی خیزش زن زندگی آزادی، بازنشستگان و چندین تشکل زنان در سراسر ایران علیه احکام اعدام منتشر شده است. این اتحاد و همبستگی مبارزاتی علیه مجازات اعدام شرایط را برای فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان آماده کرده است. شرکت کارگران به‌ویژه هزاران نفر کارگران شهرداری‌ها، کارمندان، راننده‌های تاکسی، معلمان و دانشجویان در اعتصاب عمومی به معنی تقویت اعتراضاتی است که در جبهه وسیع مبارزه علیه مجازات اعدام و حکومت اعدام در جریان است.

مردم کردستان در چند سال گذشته اعتصابات عمومی موفق‌تری را برگزار کرده‌اند. در این اعتصابات مردم در سطوح مختلف؛ بازاریان با بستن مغازه‌ها

و در برخی مدارس معلمان با نرفتن به کلاس‌های درس از اعتصابات حمایت کرده و متحد و یکپارچه به نمایندگی نه و اعتراض میلیونی مردم علیه سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم، در امر مبارزه و به‌ویژه مبارزه علیه مجازات اعدام، صحنه‌های بی‌نظیری را به نمایش گذاشتند.

اعتصاب عمومی یکپارچه با شرکت وسیع کارگران، کارمندان و معلمان و کسبه و بازاریان علیه احکام اعدام قطعاً نقش مؤثری در جهت لغو مجازات اعدام و لغو احکام اعدام پرخشان‌عزیزی و وریشه‌مرادی و آزادی این دو عزیز خواهد داشت. متحد و یکپارچه برای این خواست انسانی به اعتصاب بپیوندیم.

ترامپ و "عصر طلایی" آمریکا

محسن ابراهیمی

"عصر طلایی آمریکا همین الان آغاز می‌شود!" دونالد ترامپ مراسم سوگند ریاست‌جمهوری را دیروز اول بهمن، با جمله بالا آغاز کرد. اما در سخنانش جای تردید نگذاشت که در این "عصر طلایی"، ساختار سیاسی آمریکا برای چهار سال به دست یک شارلاتان تمام‌عیار دست راستی فاشیست افتاده است.

مثل همه عوام‌فریبان فاشیست، ترامپ ادعا کرد که خداوند او را نجات داده است تا آمریکا را باشکوه کند. مهمانان ویژه این مراسم تصویر روشنی از شخصیت‌های اصلی این عصر باشکوه دادند. حضور

سیاستمداران دست راستی فاشیست مثل ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان، جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا، و خاویر میلی رئیس‌جمهور آرژانتین و مولتی‌میلیاردیهایی مثل ایلان ماسک، مارک زاکربرگ و جف بزوس در کنار دارودسته کابینه ترامپ نشان داد که قرار است در عصر طلایی ترامپ کدام طبقه و کدام سیاستمداران یکه‌تازی کنند.

فرازهایی از سخنان ترامپ نشان داد عصر طلایی ۱ درصدی‌های میلیاردی، عصر تاریکی برای اکثریت ۹۹ درصدی، تبعیض فاحش‌تر طبقاتی، تبعیض جنسیتی علیه زنان و رنگین‌کمانی‌ها، تبعیض علیه مهاجرین و ویرانی برای طبیعت و محیط‌زیست خواهد بود.

در عصر طلایی ترامپ، مهاجر و پناهجو "بیماران روانی و مجرمین فراری از تیمارستان‌ها و زندان‌ها" هستند که باید در مقیاس میلیونی بیرون ریخته شوند تا آمریکا باشکوه شود! در عصر طلایی او سیاست رسمی حاکمیت آمریکا باید این باشد که فقط دو جنسیت وجود دارد: مرد و زن! در عصر طلایی ترامپ، ادعای گرمایش هوا و نابودی محیط‌زیست یک "کلاهبرداری" است و باید آنرا به دور انداخت؛ به جایش باید باشعار "حفر کن عزیز، حفر کن"، سراغ "طلای سیاه" رفت و استخراج نفت و گاز را گسترش داد. در عصر طلایی ترامپ، ملت آمریکا "یک مردم، یک خانواده و یک ملت باشکوه تحت حمایت خدا هستند، از هر ملت دیگر بلندهم‌تر هستند، هیچ ملتی مانند ملت آمریکا"

وجود ندارد: یک منجلاب تمام‌عیار سرمایه‌داری

با بوی تعفن فاشیستی!

میلیون‌ها شهروند پیشرو، آگاه و عدالت‌طلب در

آمریکا سیاست‌های ترامپ را فاشیستی و شرم‌آور

می‌دانند و ترامپ نخواهد توانست در یک فضای

خالی از اعتراض مالیخولیای فاشیستی‌اش را محقق

کند. باید امیدوار بود عصر تاریکی که ترامپ وعده

می‌دهد، زمینه‌ساز عروج جنبشی حتی قدرتمندتر

از جنبش "اشغال وال‌استریت" شود که سریعاً به

حدود ۱۰۰۰ شهر و ۸۱ کشور جهان گسترش

پیدا کرد!

نوع حکومت پس از سرنگونی جمهوری اسلامی

سؤال از کاظم نیکخواه

سوسن صابری: از نظر کمونیست‌ها پارلمان و دموکراسی‌های لیبرالی دوران معاصر، نمایشی هستند و ربطی به دخالت مستقیم توده مردم در امر حکومت و تصویب و اجرای قوانین و سیاست‌ها ندارند. چه دلایل و استدلالاتی برای اثبات این نظر وجود دارد؟ و اینکه شما به‌عنوان مخالفین دموکراسی پارلمانی، به دنبال چه نوع حکومتی هستید که تضمین‌کننده امکان دخالت توده مردم باشد؟

کاظم نیکخواه: اول بگوییم که ما دموکراسی

پارلمانی را به حکومت‌های خودکامه و فردی ترجیح می‌دهیم. اما بحثمان این است که پارلمان و کلاً دموکراسی غربی برخلاف آنچه ادعا می‌شود حتی در پیشرفته‌ترین و کامل‌ترین شکل آن، چیزی جز بسط پایه اجتماعی دولت‌های سرمایه‌داری نیست. مردم رأی می‌دهند تا حکومت و دولتی سرکار بیاید و چهار سال به نیابت از آنها هر کار خواست بکند. موانع زیادی هم تعبیه شده که نشود جلوی آنها را گرفت. دموکراسی به حاکمیت طبقه سرمایه‌دار مشروعیت و ظاهر مردمی می‌دهد. به تجربه دموکراتیک‌ترین جوامع نگاه کنید! دولت‌های دموکراتیک تماماً دولت‌های طبقه سرمایه‌دارند و از استثمار کارگران و سیستم سرمایه‌داری قاطعانه دفاع

می‌کنند. اما با دمکراسی و انتخابات می‌توانند ادعا کنند که حکومت‌های مردمی هستند. این دولت‌ها حتی آزادترینشان ربطی به مصالح مردم ندارند. حتی در میان طبقه حاکم فقط آنها که پول و ثروت‌های بیشتری دارند و می‌توانند تبلیغات انتخاباتی مؤثر و گسترده‌ای داشته باشند و احزاب اصلی آنها را ساپورت می‌کنند، جلو می‌آیند. ترامپ و بوش و برلوسکونی و بوریس جانسون اصلاً محبوب‌ترین چهره‌های سرمایه‌داران نبودند بلکه جزو ثروتمندترین‌هایشان هستند. در همین سال‌های اخیر شاهد بودیم که در آمریکا برنی ساندرز بسیار محبوب‌تر از همه سیاستمداران دموکرات بود اما چون خود را چپ و سوسیالیست می‌دانست حزب دموکرات او را کاندید نکرد و

بایدن را جلو انداخت. ترامپ وقتی که اول بار به قدرت رسید مطلقاً نه تجربه سیاسی داشت نه محبوبیت مردمی و نه از نظر سیاسی شق القمری کرده بود. برعکس بسیار منفور بود. فقط از همه کاندیداها پول بیشتری در اختیار داشت و خرج دستگاه‌های تبلیغاتی و پروپاگاندا انتخاباتی کرده بود. الان هم که باز به قدرت رسید با حمایت میلیاردرهایی چون ایلان ماسک و ثروت‌های نجومی خودش جلو افتاد و برنده شد.

پارلمان و سیستم دموکراسی یک‌ذره باعث نمی‌شود که رهبر کارگری یا معلم یا پرستار یا سیاست‌مدار سیاسی چپ زمام امور را در دست بگیرد. علی‌رغم اینکه از مردمی‌ترین سیاست‌ها و حرف‌های روشن دفاع کند.

بنابراین، دموکراسی ربطی به حاکمیت مردم ندارد. دموکراسی یعنی سیستمی که طبقه حاکمش سرمایه‌داران هستند و اینها با هر ترتیبی که شده کاری می‌کنند که نمایندگان همین طبقه چه دموکرات چه جمهوری‌خواه و غیره سر کار بیایند و نه کس دیگری.

ما برای اداره جامعه از سیستم شورایی دفاع می‌کنیم. سیستم شورایی مناسب‌ترین سیستم تاکنون شناخته شده‌ای است که به همه شهروندان نه فقط حق انتخاب کردن و انتخاب شدن می‌دهد بلکه امکان دخالت مستقیم می‌دهد. نمایندگان به مفهوم دقیق کلمه مستقیماً از جانب مردم انتخاب می‌شوند، و هر وقت انتخاب‌کنندگان تصمیم بگیرند می‌توانند آنها را عزل کنند. شورا

اختراع کمونیست‌ها نیست. از تجربه واقعی کمون پاریس و روسیه و انقلابات اروپا و حتی اوایل انقلاب ۵۷ استنتاج شده است. مردم در مقطعی که امکان تصمیم‌گیری یافته‌اند از طریق شوراهای خود را سازمان داده‌اند. در دوره کنونی یعنی دوره تکنولوژی ارتباطاتی و مدیای اجتماعی و دهکده جهانی شرایط برای دخالتگری مستقیم مردم در سرنوشتشان و تصمیم‌گیری در مورد زندگی اجتماعی از همیشه عملی‌تر و ممکن‌تر است. این را هم بگوییم که نباید توهم داشت که باوجود سیستم سرمایه‌داری به‌صرف تعویض اداره امور به اداره شورایی وضع به‌طور اساسی عوض می‌شود. اگر بخواهیم که واقعاً مردم زمام امور را به دست بگیرند باید کل سیستم اقتصادی و

اجتماعی و اداری از سیستم سرمایه‌داری یعنی
حاکمیت اقلیت سرمایه‌دار، به یک سیستم
سوسیالیستی و شورایی تبدیل شود. نمی‌شود
فقط سیستم اداری را عوض کرد و سرمایه‌دار و
استثمار و مالکیت خصوصی و غیره سر جایش
بماند و انتظار معجزه داشت. سیستم موجود
سرمایه‌داری است و سیستم حاکمیت هم هر
کارش بکنید سرمایه‌داری است.

سرکوب فرهنگی رژیم و بازی‌های اینترنتی

میلا در سایه منش

ستاد امریه معروف و نهی‌ازمنکر، به‌عنوان یکی از ابزارهای سرکوب ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، بار دیگر به صحنه آمده تا کنترل بیشتری بر زندگی مردم اعمال کند. ادعای محمدحسین طاهری، دبیر این ستاد، مبنی بر نظارت بر «بعد دینی» دستگاه‌ها و ترویج فریضتین، چیزی جز تلاش برای تحمیل ایدئولوژی پوسیده اسلامی نیست. این ستاد، به دنبال بزرگ‌نمایی ارزش‌هایی است که تنها هدفشان توجیه سرکوب و محدودیت آزادی‌های فردی و اجتماعی است.

سخنان طاهری درباره "آموزش ۴۰ هزار نفر" و "طراحی بازی امریه معروف با ۲۰۰ مرحله"، نمودی آشکار از هدررفت منابع ملی در پروژه‌های تبلیغاتی حکومتی است. درحالی که جوانان ایران با بحران‌هایی چون بیکاری، فقر و سرکوب آزادی‌های بنیادین مواجه‌اند، حاکمیت به جای پاسخگویی، سرگرم تولید بازی‌هایی برای کنترل افکار عمومی است.

این رویکرد به وضوح نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی برای بقای خود مجبور به استفاده از ابزارهای سرکوب فرهنگی و دینی است. نشست‌های به اصطلاح "علمی" و تبلیغاتی در دانشگاه‌ها، تنها بخشی از تلاش‌های عبث حکومت

برای خنثی کردن خواسته‌های آزادی خواهانه نسل
جدید است.

اما این نسل آگاه و جسور سال‌ها است از این
خزعبلات، از حکومت و اسلام و افکار پوسیده‌اش
عبور کرده است. تلاش‌های حکومت برای بقای
ایدئولوژی شکست خورده‌اش در میان اعتراضات
گسترده مردم، به ویژه جوانان، بی‌ثمر است. تنها
راه نجات، پایان دادن به این حکومت و برقراری
نظامی مبتنی بر آزادی، عدالت و احترام به کرامت
انسانی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

<http://journalfarsi.com>

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: <https://t.me/journalfarsi>

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال